

بررسی واژگانی گویشوران روستای خسروشیرین



رها زارعی فرد، راضیه ملایی

چکیده

گویش‌شناسی یکی از شاخه‌های زبان‌شناسی است که امروزه مورد توجه بسیاری از پژوهشگران حوزه‌های مختلف از جمله ادبیات و جامعه‌شناسی واقع شده است. گویش لری خسروشیرینی برگرفته از گویش بویراحمدی می‌باشد که با ایجاد تغییراتی ساده تر شده است. در این پژوهش سعی بر آن است که واژگان به کار گرفته شده در محاورات روزمره‌ی دو گروه سنی در روستای خسروشیرین مقایسه شود و میزان تغییرات ایجاد شده مورد مطالعه و سنجش قرار گیرد. بدین منظور دو گروه سنی از دو نسل زیر ۲۰ سال و بالای ۴۰ سال در روستای خسروشیرین به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. هر گروه شامل ۵۰ نفر از گویشوران این روستا بودند. به هر کدام از این افراد نیم ساعت فرصت داده شد که در مورد یک موضوع صحبت کنند سپس از میان سخنان هر کدام ۵۰ پاره

واژگان کلیدی: خسروشیرین، گویش لری، واژگان، سن.

گفت مورد مطالعه قرار گرفت. این پاره گفت ها سپس به لحاظ نوع واژگان بکار رفته مورد تجزیه و تحلیل واقع شد و مشخص گردید که نسل قدیم تر به کاربرد واژگان کهن علاقه بیشتری دارند. بیشتر این واژگان دارای اصالت زبانی است که خود این گویشوران از اصل و تبار این واژگان آگاهی ندارد و در این پندارند که این واژگان بی پایه و سخیف و بر ساخته‌های نسل های پیشین بومی هستند بنابراین نسل جدید نسبت به کاربرد این واژگان بی علاقه و گریزان هستند.

(۱) مقدمه

روستای خسرو شیرین یکی از روستاهای خوش آب و هوای ایران در شهرستان آباءه از توابع استان فارس است. به دلیل واقع شدن این منطقه در دامنه های زاگرس و شمال استان فارس آب و هوای کوهستانی دارد که دارای زمستان های سرد و تابستان های معتدل است. اخیرا این روستا بعنوان روستای هدف گردشگری قلمداد شده است. جمعیت این روستا حدود ۳۵۰۰ نفر است و بومیان این روستا به زبان لری روان صحبت می کنند به طوری که این گویش به آسانی برای افرادی که هیچ نوع آشنایی با آن ندارند نیز قابل فهم است.

گویش لری از نزدیک ترین گویش های ایرانی به زبان فارسی است. هر چه از سوی میانه زاگرس به جنوب دور می شویم گویش لری به زبان فارسی نزدیک تر می شود و هر چه به سمت زاگرس میانی و شمالی حرکت می کنیم واژه ها و شباهت های واجی بیشتر میان گویشوران لر سروکار خواهیم داشت. نواحی غربی استان فارس که در مجاورت کهکلوویه و بویراحمد است لرنشین هستند و از لحاظ طولی هم از خلیج فارس گرفته تا لرستان و همدان لر هستند. با این حساب می توان پراکندگی این قوم اصیل ایرانی را در ۷ استان کشور ایران مشاهده کرد: بخش غربی فارس، بوشهر، کهکلوویه و بویراحمد، بخش عمده ای از خوزستان، چهارمحال بختیاری، لرستان، بخش هایی از اصفهان، همدان و استان مرکزی.

محور بحث در این مقاله گویش لری بویراحمدی است. گویش لری خسروشیرینی برگرفته از گویش بویراحمدی می باشد که با ایجاد تغییراتی ساده تر شده است. در این پژوهش سعی بر آن است که واژگان به کار گرفته شده در محاورات روزمره ی دو گروه سنی متوالی در روستای خسروشیرین مقایسه شود و میزان تغییرات ایجاد شده مورد مطالعه و سنجش قرار گیرد. در این راستا ابتدا باید دانست که اصطلاح گویش در مورد تفاوت های تلفظی، دستوری و واژگانی گونه های زبانی به کار گرفته شده است (مدرسی، ۱۳۷۳: ۱۲۳) و لذا بعضی تغییرات در گویش ها چنان جدی است که می تواند ماهیت گویش را تغییر دهد، یا اسباب زوال آن را به وجود آورد. بر همین مبنا گفته می شود که پژوهشگران در مطالعات گویش شناسی در قرن ۲۰ باید از افراد عادی یا غیر مهاجر، از افراد مسن و روستایی و مذکر استفاده کنند. چون گفتار آنها کمتر تحت تاثیر خارج از محل زندگی شان قرار گرفته است (بهرامی، ۳۰۳: ۱۳۹۰).

در منطقه خسروشیرین نیز مانند سایر مناطق، سیر پیمناز تکنولوژی و گسترش ارتباطات دیداری و شنیداری، اثر خود را در دگرگونی گویش نهاده است. در حدود بیش تر از ۳۰ الی ۴۰ سال پیش، مانوس بودن آن نسل ها به مطالعه قرآن، نهج البلاغه و منتهی الآمال و نیز شعر و نثر فارسی اعم از منابع سترگ و ارجمندی از قبیل اشعار فردوسی، سعدی، حافظ، مولوی و نثر نوشته های فاخری چون گلستان و کلیله و دمنه و ادبیات عامیانه مانند داستان های فلک ناز و خورشید آفرین، امیرارسلان، امیرحمزه و... باعث می شد که گنجینه ی زبانی نسل قدیم وسیع تر و غنی تر از نسل کنونی باشد بدیهی است که این غنای فرهنگی و زبانی در نسل بالای ۴۰ سال منطقه نیز اثراتی داشته است. با این حال نسل زیر ۲۰ سال از چنین غنای زبانی تقریباً بی بهره مانده و در حال ذوب شدن در بستر فرهنگ و زبان ملی و جهانی است. برای اثبات این ادعا تحقیق میدانی صورت گرفت که در آن دو گروه سنی ۵۰ نفره شرکت کردند.

گرایش گروه سنی بالای ۴۰ سال به استفاده از واژگان کهن و بی میلی گروه سنی

زیر ۲۰ سال به استفاده از این گونه کلمات نشان داد که بین گفتار این دو نسل شکافی معنادار ایجاد شده است که به طور مسلم دارای دلایلی است و در پژوهش پیش رو به بوته‌ی بحث و استدلال پرداخته خواهد شد.

۲) پیشینه تحقیق

اکثر مطالعات گویش در قدیم بر گویش های روستایی تمرکز داشت زیرا در گویش های شهری به علت تأثیرات مهاجرین واژگان قدیمی از بین رفته است. همچنین در زمینه پژوهش زبان لری بیشتر به توصیف ساختمان دستوری گویش ها پرداخته شده و از لحاظ زبان شناختی تنها به تحول ساختار جملات گویش توجه شده و در حیطه‌ی واژگان و میزان کاربرد آنها کاری در خور انجام نشده است.

مقالات و کتاب های بی شماری در ارتباط با گویش لری نوشته شده است که از لحاظ واژگانی، آوایی و نحوی این گویش بررسی شده است اما گویش خسروشیرینی یکی از گویش های لری می باشد که تحقیقات چندانی روی آن انجام نشده است. در این میان تنها می توان به پایان نامه کارشناسی ارشد آقای منصور سعادت (۱۳۷۵) با عنوان توصیف زبان شناختی گویش لری خسروشیرینی اشاره کرد که نگارنده به مقابله‌ی واژگانی کوتاهی از زبان های باستان، میانه و معیار مربوط به این گویش اقدام کرده و به معرفی برخی واژگان و حتی فعل های این گویش پرداخته است. وی این اثر دانشگاهی را به صورت کتاب نشر و چاپ کرده است.

مقاله‌ی ای با عنوان بررسی کاربرد نمونه‌هایی از واژه های اصیل لری در شهر یاسوج بر حسب متغیرهای سن و جنسیت نگاشته شده است. نگارنده مقاله به این نتیجه رسیده است که گویش زبان مردم یاسوج روز به روز بیشتر به سمت زبان رسمی و معیار کشور حرکت میکند و در سنجشی مقایسه‌ای به این نتیجه دست

یافته که میزان کاربرد واژگان لری اصیل و قدیمی در زنان ۱۸ تا ۲۰ سال به کمترین حد خود رسیده است در حالی که گویشوران زن ۵۰ سال به بالا بیشترین میزان کاربرد این گونه واژگان را داشته اند (امیدواری، ۱۳۹۰).

ولف رام^۱ (به نقل از امیدواری، ۱۳۹۰) با در نظر گرفتن متغیر اجتماعی سن در جامعه سیاه پوستان در ویترویت اظهار می دارد که کاربرد صورت های زشت و ناپسند در دوران جوانی به اوج خود میرسد. به عبارت دیگر تظاهر و ویژگی های غیر معتبر در گفتار گروه های سنی پایین تر به مراتب بیشتر از گروه های سنی بالاتر است.

هادسن^۲ (۱۹۸۰:۱۶) از افرادی است که در مطالعات خود متغیر سن را بررسی کرده است. او معتقد است به پدیده زبانی با سن ارتباط مستقیم دارد. وی بر این باور است که برخی از صورت ها خاص کودکان یک نسل است و ممکن است بزرگسالان حتی یکبار هم آنها را بکار نگیرند.

باطنی (۹:۱۳۷۴) در مطالعات خود، دخالت عامل سن و نقش آن را در ایجاد تنوعات زبانی چنین مطرح می کند که فارسی نیز مانند زبان های دیگر دارای گونه های معتبری است که از جهات مختلف می توان آن را طبقه بندی کرد. وی بر این باور است که این تفاوت ها در گروه های سنی قابل بررسی است.

مقیم (۱۳۹۰) نیز در مقاله ای تحت عنوان بررسی تطبیقی چند واژه لری بویراحمدی، کوشش کرده است تا شماری از واژه ها را ریشه شناسی کند و نتیجه گرفته است که گویش های ایرانی در برابر رسانه ها و مراکز آموزشی در حال فراموشی است و پایداری از آنها را وظیفه ی تاریخی و رسالت ملی می داند.

همچنین رضایی و خیرخواه (۱۳۹۴) مقاله ی رده شناسی ترتیب واژه در گویش بویراحمدی را نگاشته اند. مقاله ی ساخت های معرفه ساز در لری بویراحمدی نیز تالیف اسفندیار طاهری (۱۳۷۸) است. همچنین نیک روز (۱۳۹۰) مقاله بررسی

۱- Wolfram

۲- Hodson

چند واژه‌ی منطقه‌ی کهکلوویه و بویراحمد در شاهنامه فردوسی را تالیف کرده است. بنابراین با توجه به تحقیقات اندکی که روی گویش لری منطقه خسروشیرین انجام شده است و خطر فراموشی واژگان این گویش وجود دارد در این مقاله نگارندگان درصد برآمده اند تا تفاوت رفتار زبانی دو نسل متوالی بومیان خسروشیرین در حوزه کاربرد واژگان این گونه را مورد واکاوی قرار دهند.

۳) سوالات تحقیق

۱. چه تفاوتی میان واژگان به کار گرفته شده در محاورات روزمره‌ی دو نسل متوالی گویشواران خسروشیرینی وجود دارد؟

۲. مهمترین و موثرترین اسباب و دلایل این تفاوت‌ها چیست؟

۴) تحلیل داده‌ها

در طی گفت و گویی که با تعداد پنجاه نفر از افراد دو نسل صورت گرفت (هر نسل پنجاه نفر) واژگانی مورد شناسایی قرار گرفت که در ادبیات نسل قدیمتر رواج دارند که ردپایشان در گویش نسل جدید، بسیار کم رنگ شده و جایگزین یافته اند. هر کدام از این واژه‌ها به تفصیل بررسی می‌گردد. جهت سهولت در تلفظ هر نمونه آوانگاری نیز شده است.



۱. سرو (saru) جمله ۱. افراد مسن

/ báččæ kæmtæér æziǰæét kon særoum kerdijê /

جمله ۲. افراد جوان

/ báččæ kæmtæér æziǰæét kon houselæém sæér ræé /

جمله فارسی: بچه اذیت نکن حوصله ندارم.

۲. بقاده (bæqqaedæé) جمله ۱. افراد مسن

/ karæltæé bæqqadæé anjam bede /

جمله ۲. افراد جوان

/ karæltæé monazam anjam bede /

جمله فارسی: کارهایت را منظم انجام بده.

۳. سر صلا (sæér sâéla) جمله ۱. افراد مسن

/ sâérsâéla omeǰdom didom to ráéftiye /

جمله ۲. افراد جوان

/ yeho omeǰdom didom to ráéftiye /

جمله ۳. فارسی: یکدفعه و با خاطر جمعی آمدم تو رفته بودی.

۵. نود صلا (sâéla)ænævæéd جمله ۱. افراد مسن

/ nævæédæésâéla gæpu vabide /

جمله ۲. افراد جوان

/ nasâélamæéti bozorg vabide /



جمله ۳. فارسی ناسلامتی بزرگ شده.

۶. زلقه دادن (zeleqa dadæn) جمله ۱. افراد مسن

/ Kæmtær zeleqæboxar/

جمله ۲. افراد جوان

/ Kæmtær tow boxar/

جمله ۳. فارسی: اینقدر پرسه زن.

۷. برگه (borgæ) جمله ۱. افراد مسن

/ Borgænæ seyl ko /

جمله ۲. افراد جوان

/ Borjækæ sey ko/

جمله ۳. فارسی: برجک (نقاب دور بام ساختمان) را نگاه کن.

۸. مرزنگ (merzeng) جمله ۱. افراد مسن

/ Merzengælet xejli qæšænge /

جمله ۲. افراد جوان

/ možæjælet xejli qæšænge /

جمله ۳. فارسی: مژه هایت خیلی زیباست.

۹. کمچه (kæmcæ) جمله ۱. افراد مسن

/ Dota kæmcæ biĵar /



جمله ۲. افراد جوان

/ Dota čængal bijar /

جمله ۳. فارسی: دوتا چنگال بیاور.

۱۰. خرزو (xorzu) جمله ۱. افراد مسن

/ Mo ræftom xuneye xorzum /

جمله ۲. افراد جوان

/ Mo ræftom xuneye kor xalæm /

جمله ۳. فارسی: من به خانه ی پسر خاله ام رفتم.

۱۱. دده (dædæ) جمله ۱. افراد مسن

/ Dædæm ræfte mosaferæt /

جمله ۲. افراد جوان

/ Abgim ræfte mosaferæt /

جمله ۳. فارسی: خواهرم به مسافرت رفته است.

۱۲. نیم دری (nimdæri) جمله ۱. افراد مسن

/ nimdærinæ bouænd /

جمله ۲. افراد جوان

/ pengerænæ bouænd /

جمله ۳. فارسی: پنجره را ببند.



۱۳. بنا کرد (bena kerd) جمله ۱. افراد مسن

/ Bena kerdom kar kerdæn /

جمله ۲. افراد جوان

/ uruš kerdom kar kerdæn /

جمله ۳. فارسی: شروع کردم به کار کردن.

۱۴. سول (sul) جمله ۱. افراد مسن

/ Boxoda æge sulom berese /

جمله ۲. افراد جوان

/ Boxoda ruhomæm xæbær nædare /

جمله ۳. فارسی: بخدا روحم خیر ندارد.

۱۵. لنده دادن (dadænælund) جمله ۱. افراد مسن

/ Vo hæmæš dare londæ ide /

جمله ۲. افراد جوان

/ Vo hæmæš dare qomæ izæne /

جمله ۳. فارسی: او همیشه در حال غر زدن است.

۱۶. (دوری) (dowri) جمله ۱. افراد مسن

/dowrijælæ amadæ ko /

جمله ۲. افراد جوان

/ bošqabælæ amadæ ko /



جمله ۳. فارسی: بشقاب ها را آماه کن.

۱۷. ذمبسته (zombæstæ) جمله ۱. افراد مسن

/zombæstæ I harfæ næzejde /

جمله ۲. افراد جوان

/ I harfæ næzejde bigonahe /

جمله ۳. فارسی: او بی گناه هست این حرف را نزده است.

۱۸. متحمل (motæhæmel) جمله ۱. افراد مسن

/ Mo motæhæmele hærfes vanæbidom /

جمله ۲. افراد جوان

/ Mo motævæjeje hærfes vanæbidom /

جمله ۳. فارسی: من متوجه حرفش نشدم.

۱۹. همدی (homdeĵ) جمله ۱. افراد مسن

/ mæ homdeĵ to heste /

جمله ۲. افراد جوان

/ mæ hæmændazeĵ to heste /

جمله ۳. فارسی: مگر هم سن و سال تو هست؟

۲۰. وایه (vajæ) جمله ۱. افراد مسن

/ Mo vajædarom beræm zijaræt /



جمله ۲. افراد جوان

/ Mo arezu darom beræm zijaræt /

جمله ۳. فارسی: من آرزو دارم که بروم به زیارت.

۲۱. مازه (mazæ) جمله ۱. افراد مسن

/ mazæm dærd ikone /

جمله ۲. افراد جوان

/ kæmærom dærd ikone /

جمله ۳. فارسی: کمرم درد میکند.

۲۲. دنگ (deng) جمله ۱. افراد مسن

/sær botrikunæ xejli deng næko /

جمله ۲. افراد جوان

/ sær botrikunæ xejli mohkæm næko /

جمله ۳. فارسی: درب بطری را خیلی محکم نکن.

۲۳. تیلیشه (tilišæ) جمله ۱. افراد مسن

/ Ye tilišæšæ væm bede /

جمله ۲. افراد جوان

/ ye kæmišæ væm bede /

جمله ۳. فارسی: مقداری از آن را به من بده.

۲۴. بنگ (bong) جمله ۱. افراد مسن



/ Bongeš kerdom /

جمله ۲. افراد جوان

/ Sedaš kerdom /

جمله ۳. فارسی: صداش کردم.

۲۵. باهنده (bahendæ) جمله ۱. افراد مسن

/ Će bahendej qašængi heste /

جمله ۲. افراد جوان

/ Će pærændeý qašængi heste /

جمله ۳. فارسی: چه پرنده ی قشنگی هست.

۲۶. چلفتە (čoloftæ) جمله ۱. افراد مسن

/ čoloftæ biyar tæš konim /

جمله ۲. افراد جوان

/ himæ biyar tæš konim /

جمله ۳. فارسی: هیزم بیاور آتش درست کنیم.

۲۷. فیر، نفت (fir.noft) جمله ۱. افراد مسن

/ doxtær xalæm noftešæ æmæl kerde /

جمله ۲. افراد جوان

/ doxtær xalæm domaquesæ æmæl kerde /



جمله ۳. فارسی: دختر خالم بینی خود را عمل کرده است.

۲۸. هستخون (hæstæxun) جمله ۱. افراد مسن

/ Yo hæstæxun kodom junævære /

جمله ۲. افراد جوان

/ Yo ostoxun kodom junævære /

جمله ۳. فارسی: این استخوان کدام جانور است؟

۲۹. ایناق (eynaq) جمله ۱. افراد مسن

/ Emru xeli eynaqi /

جمله ۲. افراد جوان

/ Emru xeyli særhali /

جمله ۳. فارسی: امروز خیلی سر حال هستی.

۳۰. مارملشک (mermelešk) جمله ۱. افراد مسن

/ Injo marmeleškinæ didom /

جمله ۲. افراد جوان

/ Injo marmolækinæ didom /

جمله ۳. فارسی: اینجا مارمولکی را دیدم.

۳۱. داسون گرفتن (dasun gereftæn) جمله ۱. افراد مسن

/ Pošte sær kæsi dasun nagir /



جمله ۲. افراد جوان

/ Pošte sár káesi háerf náezáén /

جمله ۳. فارسی: پشت سر کسی حرف نزن.

۳۲. بسی کردن (besi kerdáén) جمله ۱. افراد مسن

/ Besiš kerdom bereye dáém dokun /

جمله ۲. افراد جوان

/ Ferestadomeš bereye dáém dokun /

جمله ۳. فارسی: او را فرستادم به مغازه برود.

۳۳. مشتلق (moštoloq) جمله ۱. افراد مسن

/ Væm moštoloq če idi /

جمله ۲. افراد جوان

/ Væm moždeguni če idi /

جمله ۳. فارسی: مزدگانی به من چه خواهی داد؟

۳۴. تنگستن (tengestan) جمله ۱. افراد مسن

/ tupæku tenges ráeft men ow /

جمله ۲. افراد جوان

/ tupæku oftad ráeft men ow /

جمله ۳. فارسی: آن توپ داخل آب افتاد.

۳۵. نودلکونی (náévædelækuni) جمله ۱. افراد مسن



/ hæmišæ karæleš nævædelækuni heste /

جمله ۲. افراد جوان

/ hæmišæ væ táé deleš kar nikone /

۳۶. گرگر (gorgor) جمله ۱. افراد مسن.

/ Gorgor qaza næxa /

جمله ۲. افراد جوان

/ ton ton (zizi) qaza næxa /

جمله ۳. فارسی: با عجله غذا نخور.

۳۷. بشن (bæšn) جمله ۱. افراد مسن

/ bæšnomæ bekeræn /

جمله ۲. افراد جوان

/ bædænomæ bekeræn /

جمله ۳. فارسی: بدنم را بخوارون.

۳۸. گناس (کنس) (genas) جمله ۱. افراد مسن

/ adæm næbayæd genas bu /

جمله ۲. افراد جوان

/ adæm næbayæd xasis bu /

جمله ۳. فارسی: آدم نباید خسیس باشد.



۳۹. گاس (gas) جمله ۱. افراد مسن

/ Gas konom doruq gofte /

جمله ۲. افراد جوان

/ hæds izænom doruq gofte /

جمله ۳. فارسی: من حدس می زنم که دروغ گفته است.

۴۰. مله (mæɫæ) جمله ۱. افراد مسن

/ Mo men ow mæɫæ kerdom /

جمله ۲. افراد جوان

/ Mo men ow šena kerdom /

جمله ۳. فارسی: من در آب شنا کردم.

۴۱. دگو (dagow) جمله ۱. افراد مسن

/ I doxtær inga dægow /

جمله ۲. افراد جوان

/ I doxtær xeyli særhode /

جمله ۳. فارسی: این دختر خیلی سرخود است.

۴۲. بر کردن (ber kerdan) جمله ۱. افراد مسن

/ tæšæ ber ko /

جمله ۲. افراد جوان

/ tæšæ ber ko /



جمله ۳. فارسی: آتش را روشن کن.

۴۳. نسه (nesæ) جمله ۱. افراد مسن

/ Injo næšin nesæye /

جمله ۲. افراد جوان

/ Injo særde mo nišinom /

جمله ۳. فارسی: اینجا سرد است من نمی نشینم.

۴۴. بوآ (bowa) جمله ۱. افراد مسن

/ Bowam xodeš goft /

جمله ۲. افراد جوان

/ Babam xodeš goft /

جمله ۳. فارسی: پدرم خودش گفت.

۴۵. بر بنجه (berobonjæ) جمله ۱. افراد مسن

/ Berobojætæ jæm ko /

جمله ۲. افراد جوان

/ Miyæl væ hæm rextætæ jæm ko /

جمله ۳. فارسی: موهای به هم ریخته ات را درست کن.

۴۶. ادبار (edbar) جمله ۱. افراد مسن

/ Vo edbare nitære kar kone /

جمله ۲. افراد جوان



/ To orzeye hič karenæ nædari /

جمله ۳. فارسی: تو عرضه هیچ کاری را نداری.

۴۷. پری (porey) جمله ۱. افراد مسن

/ Yeporey bæčiyæi ædæb nædaren /

جمله ۲. افراد جوان

/ bæzi bæčiyi ædæb nædaren /

جمله ۳. فارسی: بعضی از بچه ها ادب ندارند.

۴۸. پشا (pæša) جمله ۱. افراد مسن

/ Xeyli pæša dašt /

جمله ۲. افراد جوان

/ Xeyli jæhaz dašt /

جمله ۳. فارسی: خیلی جهیزیه داشت.

۴۹. کپ (cæp) جمله ۱. افراد مسن

/ kæptæ buand /

جمله ۲. افراد جوان

/ dæhænetæ buand /

جمله ۳. فارسی: دهانت را ببند.

۵۰. ارسی (orsi) جمله ۱. افراد مسن

/ Orsim kojæye? /



جمله ۲. افراد جوان

/ Kofšom kojæye? /

جمله ۳. فارسی: کفشم کجاست؟

بحث

به عقیده مدرسی (۱۹۷:۱۳۶۸) اگر چه سن جنبه ای زیست شناختی دارد، اما در هر صورت يك عامل اجتماعی نیز محسوب می شود. واژه های مطرح شده را می توان به چند دسته تقسیم کرد:

دسته اول واژگانی هستند که در بین افراد مسن متداول و رایج است ولی افراد جوان از این واژگان در صحبت های خود استفاده نمی کنند حتی آنها تا به حال این واژگان را نشنیده اند.

از قبیل: برگه، مرزنگ، کمچه، مازه، باهنده، گاس، دگو، نودصلا، سرصلا، بنگ،... هر کدام از این واژگان ریشه های خاص دارند و حتی در شعر شاعران قدیم می توان مشاهده کرد.

واژه کچه (چنه) علاوه بر این که به معنای چانه بکار می رود در قدیم به عنوان نوعی وسیله بوده است که غذای نوزاد را در آن می ریختند و به آن می داند، کاربرد داشته است.

واژه ی گاس که در اصل می گویند گاس کنم به معنای گمان می کنم بکار می رود که ریشه انگلیسی دارد و از (guess) گرفته شده است. واژه ی دگو در زمان های قدیم برای توهین به دختران استفاده می شده است که شخص مورد سرزنش، برزگری است که نه با يك گاو بلکه با دو گاو زمین را شخم می زنند و به معنی دو گاو تاختن است و کنایه از غرور و خودسری می باشد. همچنین واژه ی مازه



برای پشت کمر انسان و حیوان بکار می رود.

دسته دوم واژگانی را می توان نام برد که بیشتر بین گویشوران نسل قدیم رواج دارد و افراد جوان از استفاده کردن آنها شرم دارند و آنها را در صحبت های خود بکار نمی برند؛ مانند سرو، بقاده، ریش نی، سول، ذمبسته، تیلیشه، چلفته، فیر، گرگر، بشن، برکردن، بناکردن، داسون گرفتن، بسی کردن، رو کردن، تنگستن، نودلکونی، گناس، وایه، نسه، ادبار، پشاو... .

واژه ی سرو در اصل شروع می باشد که ریشه ی آن عربی است و وقتی کسی به ستوه در آید آن را به کار می برد. افراد بیشتر می گویند حوصلم سر رفته است. واژه بقاده که مخفف واژه به قاعده می باشد و به معنای قاعده مند و نظم و تربیت می باشد و بیشتر افراد مسن به کار می برند. واژه ریش نی یعنی کسی که رغبت به انجام کاری را ندارد. افراد جوان بیشتر از میل ندارم استفاده می کنند. یعنی رایش بر انجام کار نیست. رای یعنی نظر و جمله ریش نی یعنی نظرش بر انجام کار نیست. واژه ی سول را در اصل به صورت سولم نیرسه بکار می برند یعنی روحم خیر ندارد. واژه ی وایه که در زبان فارسی دری پهلو ی به صورت (ayfat) ظاهر شده است. واژه ی تیلیشه به معنای کمی و در اصل تک باریک از پارچه یا چیزهای دیگر بکار می رود. واژه ی ادبار که کلمه ای عربی است به معنی سیه روز شدن و در اصل برای کسی که عرضه و لیاقت کاری را ندارد بکار می رود. همچنین واژه ی فیر امروزه برای طنز و کنایه و... استفاده می شود.

دسته سوم واژگانی که در گفتار نسل جوان کمیاب و نایاب است ولی گاهی اوقات می توان آنها را در گفتارشان مشاهده کرد ولی بیشتر رغبت به کار بردن آن واژگان را ندارند. مانند: بوا، دده، نیم دری، دوری، گپو، دنگ، مله، پری، گپ و... . جالب اینکه بیشتر این واژگان که از ادبیات نسل جدید فرو افتاده به مرور زمان این واژگان منقرض خواهند شد کلماتی معنادار هستند و ریشه در زبان های مختلفی چون فارسی دری پهلو ی دارند. همچنین ریشه در زبان های زنده دنیا مثل: عربی (صرو، بقاده، ادبارو...) و انگلیسی (گاس، سول و...) همچنین کردی



(وایه، دگو و...) دارند.

امروزه به دلیل پیشرفت های تکنولوژی و رسانه های فرهنگی، اینترنت و فضاهاى مجازى از جمله؛ واتس آپ، تلگرام، اینستاگرام و... همچنین تسريع در مسافرت های داخلی و خارجی و بدلیل ارتباط با گویشوران دیگر در خرید و فروش و تعاملات دیگر باعث شده است که مردم بیشتر به زبان فارسی و معیار روی بیاورند. همچنین به دلیل اینکه مردم تمایل به گسترش دارند حصارها شکسته می شوند، بومی گرایی از بین می رود و زبان فارسی الگو می شود و شکاف بین دو نسل به وجود می آید. بنابراین واژه هایی که خاص این گویش است ریزش کرده است. اما واژه های مشترک باقی مانده اند. افراد در معرض زبان ملی قرار گرفته اند.

نتیجه گیری

سن یکی از عوامل اجتماعی است که در پیدایش تنوعات زبانی يك جامعه نقش دارد. که بر اساس بررسی های انجام شده مشخص شد که در گفتار رده های سنی پایین تر واژگان قدیمی حذف شده است و آنها تمایلی به کاربردن آن واژگان ندارند. این موضوع در ۵۰ پاره گفت مورد بررسی قرار گرفت. در پاسخ به پرسش دوم تحقیق نیز می توان دلایل عدم رویکرد نسل جدید تر به این واژگان و مهجور ماندن چنین واژگانی را نیز چنین برشمرد:

۱. انحراف زیاد آوایی

۲. عدم آگاهی نسل جدید تر از ریشه و اصل این واژگان

۳. از بین رفتن فاصله ی بین انسان ها و گرایش عمومی به يك الگوی واحد و رسمی

۴. نقش رسانه ها از جمله؛ تلویزیون، روزنامه، رسانه های مجازی، اینترنت و ...

۵. مهجور بودن بسیاری از این واژگان در زبان رسمی فارسی امروزی

۶. برخی از افراد هم از کاربرد این واژگان شرمنده می شوند چون می ترسند که به کهنه گرایی و عقب ماندگی متهم شوند.

۷. باسواد شدن و نیز ارتباط های اجتماعی بیشتر به ویژه تعامل بیشتر در روابط اجتماعی با افراد فارسی زبان، ناگزیر به استفاده ی مکرر از واژگان فارسی معیار شده و کم کم کاربرد واژگان اصیل خود را به فراموشی می سپارند.

۸. بکار بردن زبان فارسی رسمی در کلاس های آموزشی

زمانی فرا می رسد که نسل جدید از این واژگان به ندرت و همچنین از واژگان خیلی ساده استفاده می کنند و گویشور همان فارسی است فقط لحن لری داد و



لحن هم ساده می شود. گویشور زبان لری را کنار می گذارد و از فارسی معیار استفاده می کند؛ اجزا در کل حل می شود و تفاوت ها و تمایزها از بین می رود و یکی شدن و همگرایی به وجود می آید که واگرایی به سمت هم گرایی می رود و دوگانگی به سمت یکی شدن می رود. طبق شعر مولانا:

جزء ها را رویها سوی کل است * بلبلان را عشق با روی گل است.

در نهایت شکاف فرهنگی به وجود می آید و نسل جدید دنباله رو نسل قدیم نیستند و از يك الگوی کلی (الگوی ملی) پیروی می کنند.

منابع

امیدواری، آرزو (۱۳۹۰). بررسی کاربرد نمونه‌هایی از واژه‌های اصیل گویش لری در شهر یاسوج بر حسب متغیرهای سن و جنسیت. ادبیات و زبانهای محلی ایران زمین. سال ۱. شماره ۴: ۱-۱۶.

باطنی، محمدرضا (۱۳۷۴). مسایل زبانشناسی نوین، تهران: آگاه.

بهرامی، علی (۱۳۸۹). بررسی زبان. تهران: رهنما.

حسینی بویراحمدی، ابوالحسن (۱۳۸۱). فرهنگ گویش لری بویراحمدی. یاسوج: فاطمیه.

مدرسی، یحیی (۱۳۷۴). درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان. تهران: موسسه‌ی مطالعات فرهنگی.

Hudson, R. (1980). Sociolinguistics. London: Cambridge University Press.